

---

## عوامل و موانع رشد معنویت و اخلاق و تأثیر آن در پیشرفت جامعه اسلامی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب

---

سعید خدادادی<sup>۱</sup>

### چکیده

مقام معظم رهبری در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، بیانیه‌ای تحت عنوان "بیانیه گام دوم انقلاب" صادر کردند که در آن، ضمن توصیه‌هایی که به جوانان داشتند، موضوعات متفاوتی را مطرح نمودند، یکی از این توصیه‌ها، سفارش به معنویت و اخلاق بوده به‌گونه‌ای که جوانان در تمام مراحل زندگی خویش این دو مؤلفه را جاری نمایند که یکی از اثرات وجود معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی، فراهم شدن موجبات پیشرفت آن جامعه است؛ بنابراین ضرورت پرداختن به این موضوع از این جهت است که رابطه معنویت و اخلاق با پیشرفت به دست آید که نوشتار پیشرو به بررسی ارتباط دو عنوان معنویت و اخلاق با یکدیگر و سپس عوامل رشد آن‌ها در جامعه اسلامی مانند عبرت گرفتن، توجه و عنایت خداوند و غیره و موانع رشد آن‌ها در جامعه مانند شرک، ارتکاب گناه و غیره و نهایتاً ارتباط آن‌ها با پیشرفت جامعه اسلامی به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع

---

۱. دانش‌آموخته سطح سه مرکز تخصصی شیعه‌شناسی..saidkhod1368@gmail.com

کتابخانه‌ای پرداخته است.

کلید واژگان: اخلاق، معنویت، پیشرفت، بیانیه گام دوم انقلاب.

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از برکات الهی بود که حضرت امام رحمته الله علیه با قیام خودشان آن را به تمام مردم عالم هدیه دادند؛ زیرا گستره ابعاد این انقلاب در حد و اندازه‌ای است که برای تمام ملت‌ها می‌تواند راهگشا و سر مشق باشد. به مناسب چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری علیه السلام بیانیه‌ای تحت عنوان "بیانیه گام دوم انقلاب" صادر کردند که مخاطب اصلی آن جوانان بودند. مقام معظم رهبری در این بیانیه توصیه‌هایی اساسی را مطرح کردند که مورد دوم آن، معنویت و اخلاق، محل تأمل و دقت و واکاوی است در این نوشتار سعی بر آن است که در مقوله این دو مورد و ارتباط با همدیگر و عوامل و موانع رشد آن‌ها در جامعه اسلامی و در نهایت تأثیر آن دو بر پیشرفت جامعه اسلامی مطالبی ارائه گردد و به سؤالاتی که در ذیل آورده می‌شود، پاسخ مناسب داده شود:

معنای معنویت و اخلاق چیست؟ رابطه معنویت و اخلاق چگونه است؟ تأثیر معنویت و اخلاق بر پیشرفت کشور چگونه است؟ آثار معنویت و اخلاق در جامعه تا چه حدی می‌باشد؟

## مفهوم معنویت و اخلاق

«اخلاق» از ماده «خلق» گرفته شده است. مرحوم شبر در کتاب اخلاق می‌فرماید: «ماده خلق (خ ل ق) اگر با "خا"ی مفتوح استعمال شود، به معنای "صورت ظاهری" است و اگر با "خا"ی مضموم به کار رود به معنی "صورت باطنی" است و اخلاق یک انسان، همان صورت و هیئت نفسانی و باطنی اوست که از نفوذ یک سلسله صفاتی در نفس ترکیب یافته است» (اخلاق شبر، ۱۳۸۶: ۳۳). در ضمن روایتی راوی نقل می‌کند به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «حدّ حسن خلق چیست؟ حضرت فرمود: با مردم به نرمی و گرمی برخورد کنی، پاک و منزه و در کمال ادب سخن بگویی و در مواجهه با برادرانت متبسم و گشاده‌روی باشی» (صدوق، بی‌تا: ۲۵۳).

مقام معظم رهبری در ذیل بیانیه مذکور برای معنویت و اخلاق تعاریفی را بیان می‌کنند:

«معنویت» به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی، از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است، و «اخلاق» به معنی رعایت فضیلت‌هایی است چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست‌گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو» (مقام معظم رهبری، بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷).

### مفهوم پیشرفت

«پیشرفت» از نظر لغوی و ظاهری، یعنی رسیدن از مرحله‌ای به مرحله بالاتر یا ارتقا درجه‌ای به درجه‌ای بالاتر؛ اما از نظر اصطلاحی: دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در مورد اصطلاح «پیشرفت» در کتاب امام مهدی، موجود موعود چنین است:

«پیشرفت فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی - اجتماعی است و انسان در این جریان می‌تواند به کمال برسد» (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

### اخلاق و معنویت در جامعه اسلامی

جامعه اسلامی به دلیل این که اسلامی است و مبنای دینی و قرآنی دارد، لازم است برای اداره آن، اخلاق و معنویت حاکمیت داشته باشد. به این معنا که در بین مسئولین و مردم، اخلاق و معنویت حکم فرما باشد و در تمام مراحل زندگی جاری باشد. لازم است که ابتدا فرق بین این دو بررسی شده و رابطه آن‌ها بیان شود.

معنویت در برداشت و روایت اسلامی، امری است که تمام ساحات و شئون زندگی انسان را دربرمی‌گیرد و انسان مؤمن، چه در عالم نظر و چه در عالم عمل، فقط و فقط، رضایت خدای متعال را مبنا و اساس می‌انگارد.

عمل اخلاقی، عملی است که در آن، ملاحظاتی سوداندیشانه، راه نداشته باشد و انسان تنها به سبب حکم‌وجدان الهی و فطری خویش، به آن متمایل باشد و در این حال، حتی از منافع و مطامع مادی خویش نیز درگذرد.

بنابراین رابطه بین معنویت و اخلاق عوم و خصوص مطلق است به این صورت که معنویت در برگیرنده اخلاق است و شامل امورات دنیوی و اخروی می‌شود در حالی اخلاق مربوط به امور رفتاری دنیوی است.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب آثاری را برای اخلاق و معنویت در جامعه بیان می‌کنند: «معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند.» (بیانیه گام دوم انقلاب)

شعور معنوی و وجدان اخلاقی در هر جامعه هرچه بیشتر رشد کند، برکات بیشتری به بار می‌آورد و این، بی‌گمان به جهاد و تلاش نیاز دارد و تلاش و جهاد نیز بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید. پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند؛ اما اولاً، خود مسئولان باید منش و رفتار اخلاقی و معنوی داشته باشند، و ثانیاً، زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این زمینه میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضد معنویت و اخلاق، به شیوه معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند (بیانیه گام دوم انقلاب).

در کتاب "حکومت دینی و حقوق انسان" در باب آثار و اهمیت اخلاق در جامعه اسلامی و حکومت دینی نکاتی بیان شده است: «در حکومت و جامعه دینی، پاسداری از اخلاق جلوه بارزتری دارد و در حاکمیت اسلامی به آن توجه بیشتری شده است، تا آن جا که پیامبر اکرم، هدف از بعثت خود را کامل کردن اخلاق پسندیده اعلام می‌فرمودند: **«إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛** من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام» (طوسی، ۱۳۷۷: ۲۵۰). از منظر آموزه‌های دینی ارزش‌های اخلاقی، حتی می‌توانند در کنار برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و تأمیننی تحقق‌پذیر باشند، و این اخلاقیات زمینه خویشتن‌داری

جامعه را نسبت به جرم می‌کنند. بدون شک افراد فقیر، مضطرب و درگیر با مشکلات روحی و روانی، اگر دارای معنویت باشند و به اخلاق آراسته باشند، از گرایش به فساد و جرم و ناشکیبایی خودداری می‌کنند» (منتظری، ۱۴۲۹ق: ۲۸).

### عوامل رشد معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی

در هر جامعه اسلامی لازم است اخلاق و معنویت رشد کرده و به تمام زوایای جامعه سرایت و آثار آن در جامعه بروز پیدا کند که با آشکار شدن اخلاق و معنویت در جامعه، می‌توان به پیشرفت‌هایی در همه زمینه‌ها امیدوار بود. البته که برای پیشرفت معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی، عواملی وجود دارند که بر آیات و روایات مبتنی هستند. برخی از این عوامل به شرح ذیل می‌باشند:

#### ۱. تفکر کردن

از مهم‌ترین عواملی که موجب رشد معنوی در انسان و جامعه می‌شود، تفکر نمودن است که تفکر نمودن در آیات و روایات به سه گونه سفارش شده است:

اول تفکر در عالم خلقت: خداوند آدمی را دعوت به تفکر در عالم خلقت (مثل خلقت آسمان‌ها و زمین، رؤیت نظام عالم و...) می‌کند؛ به عنوان مثال می‌فرماید: ﴿أَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ...﴾: آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین و... (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکندند؟! و...» (اعراف/۱۸۵). در این آیه به تفکر نمودن در آفاق و انفس سفارش می‌کند که البته این تفکر باید به همراه دقت و عبرت آموزی باشد.

دوم: تفکر در تاریخ: تفکر در تاریخ از متعلقات دیگر تفکر است. سیر و سیاحت در سرگذشت اقوام پیشین و تاریخ زندگی ایشان و "عبرت گرفتن" از سرگذشت آن‌ها از عواملی است که قرآن و روایات به آن سفارش ویژه کرده و دستور داده‌اند که در تاریخ و داستان اقوام پیشین خود سیر کنید و آن‌ها را مورد مطالعه قرار دهید. بسیاری از آیات قرآن به داستان گویی و بیان تاریخ اقوام گذشته اختصاص دارد و از این زاویه می‌توان به اهمیت این موضوع

پی برد و با مطالعه تاریخ پیشینیان عوامل سعادت و پیروزی و تکامل آن‌ها را شناخت و نتیجه این مطالعه را در زندگی فردی و اجتماعی خود و جامعه، اعمال کرد. این کار می‌تواند به تکامل و سعادت و رشد معنوی فرد و جامعه کمک بسیاری کند.

امام علی علیه السلام در این مورد به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «أَخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ ..... اِعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ...: جان را با یقین نیرومند کن... تاریخ گذشتگان را بر او بنما...» (نهج البلاغه صبحی صالح، نامه ۳۱).

البته شناختن عوامل سقوط و نابودی آن‌ها و پرهیز از آن عوامل در زندگی، از جمله مؤلفه‌هایی است که باعث رشد منوی انسان و جامعه می‌شود؛ همان‌طور که لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی‌ادبان. خداوند متعال می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ!» پس عبرت بگیرید، ای اهل بصیرت! (حشر: ۲).

سوم: تفکر در خود انسان: خلقت خود انسان، از موضوعات تفکر است. خداوند در مورد تفکر در خود می‌فرماید: ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ \* وَ فِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ و در زمین آیاتی برای جویندگان یقین است و در وجود خود شما (نیز آیاتی است)؛ آیا نمی‌بینید؟ (یونس/ ۲۱ - ۲۰)؛ تفکر موجب رشد است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الفکر یهدی الی الرشد: فکر، عامل هدایت آدمی به رشد است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۳؛ لیبی واسطی، ۱۳۷۶: ۵۰)؛ "تفکر موجب می‌شود آدمی به وابسته بودن مخلوقات پی برده و به این نتیجه برسد که نظام خلقت نیاز به پروردگاری دارد که مدبّر عالم است." با تلخیص (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸/ ۴۵۵)؛ بنابراین، تفکر مقدمه ایمان به خدا است.

## ۲. ایمان و پرهیزکاری

دومین عامل برای رشد معنویت و اخلاق، ایمان و پرهیزکاری می‌باشد. چنانچه شخص در ایمان خود ثابت قدم باشد و نسبت به شبهات دشمنان و حرفه‌های مخالفان استقامت بورزد و در مقابل مشکلاتی که برای مؤمنان به وجود می‌آید (مثل گرفتاری و مصیبت) ایستادگی کند و نسبت به ایمانش استوار باشد؛ قطعاً به رشد معنوی می‌رسد. البته برای

رسیدن به این درجه از استقامت در ایمان لازم است که تقوای الهی را رعایت و پرهیزکاری را پیشه کند؛ به خاطر این که پرهیزکاری باعث رشد معنوی انسان شده و او را در مقابل مشکلات مقام کرده و در نتیجه شخص نسبت به ایمانش ثابت قدم می‌شود.

این شخص از دو جهت به رشد معنوی می‌رسد: اولاً، به خاطر رسیدن به استقامت در ایمان و پایبندی به عقاید خود؛ ثانیاً، به خاطر پرهیزکاری و رعایت تقوای الهی و ترک معاصی. علت این تقدم و تاخیر این است که انسان باید اول به مراتب ایمان دست پیدا نماید تا بتواند به رشد معنویت دست پیدا نماید که یکی از لوازم این رسیدن، تقوا و پرهیزکاری است؛ بنابراین پرهیزکاری مرتبه بعد از ایمان است.

ایمان، جایگزین شدن اعتقاد در قلب است، همچنین شخص با ایمان به کسی که به درستی، راستی و پاکی وی اعتقاد پیدا کرده، امنیت می‌دهد؛ یعنی آن چنان دلگرمی و اطمینان می‌دهد که هرگز در اعتقاد خویش دچار شک و تردید نمی‌شود، چون آفت اعتقاد و ضد آن شک و تردید است" (طباطبائی، پیشین: ۱/ ۷۳). خداوند در مورد ایمان می‌فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» و هنگامی که بندگان من از تو درباره من سؤال کنند، (بگو: ) من نزدیکم! دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا راه یابند (و به مقصد برسند)!!» (بقره/ ۱۸۶).

علم، عامل ایمان است، اما تمام ایمان نیست. ایمان بدون معرفت حاصل نمی‌شود، ولی ظرف آن را تنها علم پر نمی‌کند. آیه قرآن به این امر اشاره‌ای گویا دارد: «وَجَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُتْوًا: و آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، درحالی که در دل به آن یقین داشتند!!» (نمل/ ۱۴)؛ قوم بنی اسرائیل در عین حال که معرفت و یقین داشتند، عناد و کفر ورزیدند؛ ایمان به جز معرفت باید به زیور تسلیم و خضوع نیز آراسته شود. ایمان از امن گرفته شده است. از آن روی ایمان نامیده شده که انسان را از آفات اعتقاد، یعنی شک و تزلزل، درامان می‌دارد؛ بنابراین ایمان با شک جمع نمی‌شود " با تلخیص (فعالی،



پاییز و زمستان ۸۳: ۱۳ و ۱۴).

### ۳. توجه و عنایت خداوند

تا زمانی که خداوند تبارک و تعالی نخواهد، هیچ حادثه‌ای رخ نمی‌دهد؛ زیرا همه کارها به اراده و مشیت الهی منوط است و دلیل آن قادر بودن خداوند و همچنین فضل و کرم ایشان است. در رشد معنوی و اخلاقی فرد هم تا زمانی که خداوند به فرد توجه و عنایت نکند رشد معنوی شامل حال وی نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ»؛ امکان ندارد که خدا مؤمنان را به همان وضعی که شما دارید، به حال خود رها کند» (آل عمران: ۱۷۹).

مصطفوی در ذیل این آیه می‌گوید: «لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ: خداوند متعال مؤمنان را که به او گرایش داشته و به او وابسته هستند، مانند دیگران ترک نمی‌کنند که برای تربیت و رشد معنوی و سیر کمالی آنان توجه و نظری نداشته باشد و علامت نظر و توجه به آن‌ها این است که آن‌ها را در مورد تحوّل و ابتلا و امتحان و آزمایش و برخورد به ناملایمات قرار داده، و سبب پختگی و ثبوت قدم و تحمّل و استقامت و روشن ضمیری آن‌ها گردد» (مصطفوی، ۱۳۸۰: ۱۶۹/۵).

بر این برای رشد و موفقیت ابتدا باید توفیق و عنایت الهی شامل حال انسان گردد تا انسان آماده حرکت شود و سپس انسان باید تمام تلاش خود را به کار ببندد که بتواند تداوم توفیق و عنایت الهی را جذب کند. امام هادی علیه السلام می‌فرمایند: «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثٍ، تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ وَ وَاِعْظُ مِنْ نَفْسِهِ وَ قَبُولٍ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ؛ مؤمن، به توفیق الهی و واعظ درونی و حس نصیحت‌پذیری محتاج است» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۵۸).

### ۴. انجام دادن کار خیر نیک

رسیدن به سعادت و رشد معنوی و تکامل منوط به انجام دادن کار خیر و اعمال صالح منوط می‌باشد و قرآن کریم در بسیاری از آیات خود می‌فرماید که برای رسیدن به سعادت،

عمل صالح انجام دهید در دعاها هم این نکته تأکید شده؛ چنان که در دعای روز اول ماه مبارک رمضان می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ وَفَّقْنِي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى؛ خدایا! توفیق بده به من که هر کاری که رضایت تو در آن هست و مرا به تو نزدیک می‌کند، انجام دهم.» (کفعمی، ۱۴۱۹ق: ۲۱۹)

دلیل این درخواست آن است که انجام دادن کار خیر، باعث رشد معنوی فرد می‌شود و هر مقدار که انجام دادن عمل صالح بیشتر باشد، رشد معنوی انسان هم بیشتر شده و انسان سریع‌تر به سعادت و تکامل می‌رسد. یکی از کارهای خیر "انفاق کردن" می‌باشد. در ذیل آیات انفاق، بعضی از مفسران مطالبی را بیان کرده‌اند، مبنی بر این که انفاق کردن باعث رشد معنوی انسان می‌شود.

خداوند متعال می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛» مثل کسانی که اموال خود را در راه خدا می‌بخشند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر کس که بخواهد چندین برابر می‌افزاید. خدا وسعت بخش داناست» (بقره: ۲۶۱).

مکارم شیرازی در ذیل آیه مذکور آورده است: «... اشاره به این است که انسان‌های نیکوکار در پرتو نیکی‌هایشان نمو و رشد معنوی پیدا می‌کنند و این افراد همچون بذرهای پرمی هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲ / ۳۱۴).

«قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ؛» بگو، اگر شما با دلخواه و یا با کراهت بخشش کنید، هرگز از شما پذیرفته نمی‌شود، زیرا شما جماعتی فساد کار هستید» (توبه: ۵۳).

قرائتی ذیل آیه مذکور آورده است: «انفاق تنها برای سیر کردن شکم نیست، اصلاح روح و رشد معنوی هم مورد نظر اسلام است» (قرائتی، ۱۳۸۳: ۵ / ۷۸).

در این آیه خداوند به افرادی که انفاق نمی‌کنند، خطاب فاسقین می‌نماید که فاسق کسی است که از معنویت و اخلاق به دور است؛ فلذا کسی که اهل انفاق باشد از فسق به دور است و در نتیجه به رشد معنوی دست پیدا می‌کند.

## ۵. محیط سالم

برای رسیدن انسان به رشد معنوی عوامل بسیاری لازم است یکی از آن‌ها این که انسان در محیطی سالم رشد کند محیط "مطلق" می‌باشد و محیط خانواده، اجتماع و دوستان را شامل می‌باشد. اهمیت محیط سالم از آن روست که انسان وقتی در محیط خانواده‌ای که سالم باشد تربیت شود، مسلماً به رشد معنوی می‌رسد. در کنار خانواده، محیط اجتماعی هم باید سالم باشد تا باعث شود شخص سریع‌تر به رشد معنوی برسد. اگر دوستان وی دارای معرفت و رشد معنوی باشند مسلماً بر او هم تأثیر می‌گذارند و به مرور زمان باعث شده که رشد او سریع‌تر شود.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾؛ همانا کسانی که ایمان آورده و هجرت کردند و با اموال و جان‌هایشان در راه خدا جهاد کردند...» (انفال: ۷۲). تفسیر نور در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید: «هجرت، اختصاص به پیامبر اکرم ﷺ ندارد، بلکه هجرت از محیط شرک، کفر و گناه، برای حفظ دین و ایمان و یا برای برگشت از نافرمانی خداوند لازم است؛ چنان‌که خداوند در پاسخ کسانی که عذر آلودگی خود و ارتکاب به گناه را محیط ناسالم می‌دانستند و می‌گفتند: ﴿كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ﴾؛ می‌فرماید: زمین خداوند که پهناور بود، چرا به مکانی دیگر هجرت نکردید؟ ﴿قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً﴾ البته با توجه به عبارت «مُسْتَضْعَفِينَ»، معلوم می‌شود که اگر توانایی امر به معروف و نهی از منکر باشد، باید به این مهم اقدام نمود و جامعه را ترک نکرد و آن را مورد اصلاح قرار داد» (قرآنتی، پیشین: ۴ / ۳۷۰).

رسیدن به محیط سالم در خیلی مواقع مستلزم هجرت است. هجرت به جایی که امکان رشد معنوی وی بیشتر باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اذا عصی الله فی ارض انت

فی‌ها فاخرج منها الی غیرها؛ هنگامی که در محل و سرزمینی که در آن زندگی می‌کنی، نافرمانی و معصیت خدا می‌کنند؛ از آن جا به جایی دیگر هجرت کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۹/۳۶).

## موانع رشد معنوی و اخلاقی

همان‌طور که در بحث پیشین بیان شد برای رسیدن به پیشرفت باید عواملی که باعث رشد معنوی انسان می‌شوند در جامعه بروز پیدا کنند و در مقابل، موانعی هم که برسر راه پیشرفت و رشد معنوی وجود دارند، شناسایی و از سر راه برداشته شوند که انسان بتواند به رشد معنوی و به تبع آن، به پیشرفت‌هایی دست پیدا کند. موانعی برای رشد معنوی وجود دارند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

### ۱. غرور و تکبر

مانع بزرگ در رشد معنوی، تکبر است. خداوند در قرآن در مورد تکبر می‌فرماید: «سَأَصْرَفُ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِزِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ»؛ به زودی کسانی را که در روی زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از (ایمان به) آیات خود، منصرف می‌سازم! آن‌ها چنانند که اگر هر آیه و نشانه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند؛ اگر راه هدایت را ببینند، آن را راه خود انتخاب نمی‌کنند؛ اگر طریق گمراهی را ببینند، آن راه خود انتخاب می‌کنند!» (اعراف/۱۴۶).

مقام معظم رهبری، تکبر را یکی از آفت‌هایی که سلامت جان و روح را به خطر می‌اندازد مطرح نموده و برای درمان آن راه‌حل ارائه می‌کنند و می‌فرمایند: «در میان خصلت‌های نکوهیده که سلامت جان و راحت زندگی را با خطر و مانع مواجه می‌سازند، تکبر از پرافت‌ترین آنهاست. خودبرتربینی و سرکشی برخاسته از آن، چه بسیار حقیقت‌ها را ناشناخته و چه راه‌های فضیلت را ناپیموده می‌گذارد و چه کینه‌ها و خصومت‌های نابه‌حق و چه زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها که پدید می‌آورد. آری، تکبر، حجاب حقیقت و خار راه

فضیلت و دشمن صفا و صداقت و انگیزه دشمنی و شرارت است. آحاد و جامعه‌های بشری از آغاز عمر خود تاکنون ضایعات بی‌شماری را از کبر و خودپسندی اقوام و افراد و سرکشی‌ها و تعصبات ناشی از آن تحمل کرده‌اند و می‌کنند. عبادات اسلامی و بیش از همه نماز، برای زدودن این آفت از جان آدمیان، از جمله درمان‌های مؤثر و کارآمد می‌باشند.» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۶/۱۹)

بنابر فرمایش مقام معظم رهبری، غرور و تکبر از مهم‌ترین موانع برای رسیدن به رشد و کمال می‌باشد و لازم است افرادی که به دنبال رسیدن به کمال و رشد معنوی هستند از این رذیله اخلاقی دوری نمایند. بنابراین وجود غرور و تکبر از مهم‌ترین و بزرگترین موانع رسیدن به کمال و رشد معنوی است که لازم است افراد طالب معنویت از این گناه و رذیله دوری نمایند.

## ۲. شرک و کفر

از بزرگ‌ترین موانع رشد معنوی انسان، "شرک" به خداوند متعال می‌باشد. شرک از گناهان کبیره است و خداوند هرگز شخص مشرک را نمی‌بخشد، بلکه عذاب و جهنم را به وی وعده داده است. در این باره می‌فرماید: ﴿...لَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾: ... ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و (به عکس) کفر، فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفات‌اند، هدایت یافتگانند! (حجرات/۷).

در این آیه خداوند به بیان مواردی مورد نفرت خداوند و مومنان است اشاره می‌کند که یکی از این موارد، کفر و شرک است؛ فلذا اگر کسی از مؤمنین به دنبال هدایت‌اند، لازم است که از این گناهان نام برده من جمله کفر و شرک دوری نمایند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آری؛ ای عمرو! بزرگ‌ترین کبائر شرک خداست. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ﴾؛ خداوند نمی‌بخشد آن که برای او شریک بگیرند» (نساء: ۴۸). و نیز می‌فرماید: ﴿إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَ

ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ؛ همانا که هر کس شرک بخدا آورد خداوند بهشت را بر وی حرام ساخته و جایگاه او دوزخ است و این ظالمان یار و یاورى ندارند» (مائده: ۷۲). (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳/ ۵۶۳).

پس وقتی شرک باعث عذاب و عدم بخشش خداوند می‌شود، به طریق اولی مانع پیشرفت و رشد معنوی انسان می‌شود، زیرا رشد معنوی، یعنی به سمت خداوند متعال سیر کردن و به قرب الهی رسیدن وقتی انسان برای خداوند شریک قائل شود، نمی‌تواند به قرب وی نائل آید و لذا از رشد معنوی باز می‌ماند.

### ۳. محیط تاریک و آلوده

در بحث عوامل رشد معنوی بیان شد که یکی از این عوامل، محیط سالم (اعم از خانواده، اجتماع، دوستان و...) می‌باشد و در مقابل، محیط تاریک و آلوده می‌تواند مانع رشد معنوی انسان شود، به خاطر این که هر قدر انسان خوب و پاک باشد، محیط آلوده و تاریک به تدریج قلب و روح انسان را تاریک و آلوده می‌کند.

شاید برخی افراد بتوانند مدتی در محیط آلوده پاک بمانند و مقاومت کنند تا دچار آلودگی و تیرگی نشوند؛ اما در اکثر موارد انسان تسلیم آلودگی‌ها و انحرافات می‌شود و از رشد معنوی باز می‌ماند (سوره انفال آیه ۷۲ به این نکته اشاره می‌کند) در داستان‌های قرآنی هم برای این مورد مصادیقی بیان شده است، مثل پسر نوح که چون محیط اجتماع و دوستانش آلوده بودند؛ او هم دچار آلودگی شد و از مسیر حق منحرف گردید (هود: ۴۵ تا ۴۷).

### ۴. ارتکاب گناه

در بحث عوامل رشد معنوی بیان شد که یکی از عوامل رشد معنوی انسان، پرهیزکاری و ترک معصیت و گناه است. در مقابل اگر کسی دچار گناه شود رشد معنوی او کند شده و هر مقدار که گناهان او بیشتر شود، رشد معنوی او کمتر می‌گردد. ارتکاب گناه، انسان را چنان سقوط می‌دهد که رشد وی را متوقف می‌کند و انسان را به مرحله حیوانیت می‌رساند بلکه

بدتر. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾؛ هر که را خدا هدایت کند او راه‌یافته است و کسانی را که گمراه نماید آنان خود زیانکارانند... آن‌ها همچون چهار پایانی هستند بلکه گمراه‌تر از آن‌ها» (اعراف: ۱۷۸ و ۱۷۹).

پس، ارتکاب گناه عامل مهم سقوط انسان از مرحله کمال است؛ همان‌طور که ترک آن باعث رشد و ترقی و تکامل می‌شود. در مقابل، انجام دادن گناه می‌تواند انسان را از زمره انسانیت خارج و وارد حیطة حیوانیت کند. این برداشت با توجه به آیه قبل است که خداوند به معرفی زیان‌کاران می‌پردازد و از عوامل زیان‌دین، گناه کردن افراد است.

### رابطه معنویت و اخلاق با پیشرفت جامعه اسلامی

از مهم‌ترین اثراتی که معنویت و اخلاق در جامعه اسلامی می‌تواند داشته باشد، این است که موجبات پیشرفت او را در تمام زمینه‌ها فراهم نماید. برای رسیدن به جامعه مطلوب و آرمانی لازم است موانع و آسیب‌ها را شناخت و برای رفع آن‌ها راهکارهایی ارائه نمود. بشر امروزه بحران‌هایی را در جامعه نظاره‌گر است و گاه در تحلیل اشتباه خود عوامل آن را در مسائلی جست‌وجو می‌کند، غافل از این‌که ریشه نابسامانی‌ها را باید جای دیگری جست و برای آن چاره‌جویی کرد. رهبر فرزانه انقلاب علت اصلی مشکلات را غفلت از امور معنوی و ارزش‌های اخلاقی می‌دانند و می‌فرمایند:

«امروز علت اصلی بسیاری از مشکلات بشری در نظام‌های مختلف، ناشی از غفلت از معنویت و گرایش به سوی مادیگری و مادی پرستی است. بحران اخلاقی معاصر نابودی بشریت را به همراه خواهد داشت و باید اندیشمندان جهان و دلسوزان بشریت برای احیای ارزش‌های اخلاقی قیام جدی نمایند. گاهی افراد تمام سعی و تلاش خود را صرف تحصیل دانش نموده و به اخلاق بی‌توجه یا کم‌توجه هستند، غافل از این‌که علم بدون اخلاق آفت جامعه است و زمانی دانش می‌تواند مفید باشد که در حوزه‌های گوناگون اعم از فردی و اجتماعی اخلاق حاکم باشد. رهبر انقلاب اسلامی در این زمینه می‌فرمایند: «اگر انسان‌ها از

نظر سواد و دانش و سیاست بحرالعلوم هم باشند؛ ولی اخلاق نداشته باشند کوچک‌ترین نفعی برای جامعه نخواهند داشت. تواضع، اخلاص، مهربانی در رابطه با بندگان خدا، صلابت در مقابل دشمنان، فداکاری و اصالت ندادن به مال و جاه و مقام و از جان و فرزندان و آسایش و سلامتی خود، خیلی راحت برای رضا خدا گذشتن، از اساسی‌ترین جوهرها و بالاترین ارزشی است که برای آن باید خود را به زحمت بیندازیم و تلاش کنیم و در آموزش‌های خود و در عمل آن را به کار گیریم». (بانکی پور فرد و قاشچی، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۴۰)

ایشان در سخنی دیگر به این حقیقت چنین اشاره می‌کنند:

اخلاق اسلامی در همه زمینه‌ها باید رعایت شود. کوهی از معلومات بدون اخلاق درست، هیچ ارزشی نخواهد داشت. یک انسان متفکر و دانشمند اما خودخواه و بدبین عملاً وجودش فایده‌ای برای جامعه ندارد.

ایشان تحصیل کمالات معنوی را بیشتر از تحصیل علم برای نسل جوان حائز اهمیت می‌دانند و می‌فرمایند: «ما ارزش‌های اخلاقی و معنوی را برای جوان ضرورتی می‌دانیم که اهمیت آن بیشتر از علم است و معتقدیم انقلاب ما به خاطر همین ارزش‌ها بوده است.» (همان)

مقام معظم رهبری در سخنانی به اهمیت معنویت و اخلاق اشاره می‌کنند که برای پیشرفت جامعه اسلامی لازم است که این دو مؤلفه در افراد و جامعه به وجود بیاید.

ایشان در یکی از سخنان خود به این نکته اشاره می‌کنند که معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عامل پیشرفت جامعه است. «عشق به معنویت و ارتباط با خدا، مهم‌ترین عاملی است که پیشرفت یک ملت را به معنای واقعی خودش تضمین می‌کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۱۸). این کلام نشان دهنده آن است که هر ملتی که به دنبال پیشرفت در هم جوانب است، مهم‌ترین راه آن، معنویت و ارتباط با خداوند می‌باشد.

در کلام دیگری ایشان می‌فرماید که یکی از جوانب پیشرفت، پیشرفت در زمینه اخلاق و معنویت است: «مقصود ما از پیشرفت چیست؟ پیشرفت در یک جهت محض نیست.



مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین‌المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره‌وری. ارتقای بهره‌وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱). نکته‌ای که در این کلام وجود دارد این است که اولاً یکی از جوانب پیشرفت، پیشرفت در زمینه معنویت و اخلاق است و دیگر این که اگر در این جهت دچار عقب‌ماندگی شود، در تمام زمینه‌های دیگر دچار عقب‌ماندگی می‌شوند.

مقام معظم رهبری در کلام دیگری برداشت قبلی را تأیید می‌کنند که پیشرفت اقتصادی باید به همراه پیشرفت اخلاقی و معنوی باشد زیرا این دو لازمه هم هستند: «اسلام می‌خواهد هم ماده و هم معنا، هم پول و رفاه، هم ایمان و معنویت، هم پیشرفت اقتصادی و هم شکوفایی اخلاقی و معنوی در جامعه باشد. این حیات طیبه اسلام است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۷/۲۲)؛ لذا اگر جامعه‌ای دارای پیشرفت مادی باشد ولی از پیشرفت اخلاقی عقب مانده باشد، ضرر می‌کند و برعکس آن هم یعنی جامعه‌ای به پیشرفت اخلاقی رسیده باشد ولی پیشرفت مادی نداشته باشد، متضرر شده است. پس برای سعادت جامعه این دو لازم هستند.

ایشان کلام دیگری در تأیید برداشت قبلی بیان می‌کنند: «غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفته‌ای مادی زیاد آوردند، در این زمینه‌ها حرفه‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی پای بشر می‌گذارند منتها کاری می‌کنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۲۵). این کلام نشانگر آن است که اگر جامعه‌ای از لحاظ مادی دارای پیشرفت‌هایی باشد ولی از نظر اخلاقی عقب مانده باشد، مسلم بدانند که به زودی دچار سقوط می‌شوند و آن پیشرفت‌ها هم نمی‌تواند کمکی به

آن‌ها نماید.

در کلام آخر از مقام معظم رهبری به این نکته اشاره می‌کند که شاخص اول برای دولت اسلامی، اعتقاد و اخلاق درست می‌باشد: «اولین شاخص [دولت اسلامی]، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - به خصوص در مسئولان رده‌های بالا - سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی می‌شود. این شاخص اول است» (۱۳۹۲/۶/۶)؛ بنابراین لازمه پیشرفت دولت اسلامی، بلا بودن اعتقاد و اخلاق اسلامی در بین مسئولان رده بالا و دیگران می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

موضوع معنویت و اخلاق دو مقوله با هم هستند که مقام معظم رهبری هم در بیانیه گام دوم انقلاب، این مؤلفه‌ها را با هم بیان فرمودند؛ اما وقتی سیر بحث را مرور کنیم به این نتیجه می‌توان رسید که این موضوعات با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند تا این مقدار که اگر کسی از اخلاق و معنویت به دور باشد، هرچند دارای پیشرفته‌ای مادی باشد، به مرحله سقوط انسانی می‌رسد (در دنیا مصادیق آن قابل مشاهده است).

اما در مورد ارتباط این دو با پیشرفت جامعه اسلامی، به این نتیجه می‌توان رسید که برای پیشرفت جامعه اسلامی دو مرکب و دو بال وجود دارد که یکی "معنویت" است و دیگری "اخلاق" که برای پیشرفت، باید هر دو آن‌ها با هم وجود داشته باشند. اگر اخلاق در کار نباشد، عملکرد کشورهای متجاوز به دیگران، مثل آمریکا و انگلیس اتفاق می‌افتد که متأسفانه پیشرفت دارند، ولی از وادی اخلاق به دور هستند.

در مقابل، اگر جامعه‌ای دارای اخلاق باشد، ولی از پیشرفت محروم باشد، باز هم نقض در کار آن‌ها مشاهده می‌شود در دنیا مصادیق این رویکرد بسیاری از کشورهای جهان سوم هستند که بعضاً اخلاق دارند و اهل ظلم به کشورهای دیگر نیستند و حتی از ظلم به آن‌ها هم حمایت نمی‌کنند؛ اما چون از پیشرفته‌ای جدید بی‌بهره‌اند، از بسیاری مؤلفه‌ها به دور هستند.

کلام آخر این که هر فرد یا جامعه برای رسیدن به پیشرفت در تمام زمینه‌ها نیازمند دو چیز است: یکی اخلاق و دیگری معنویت. این دو، بال‌هایی هستند برای به پرواز در آمدن آن جامعه یا شخص لازم‌اند.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۸ هـ ش.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۸۷ ش.
۳. بانکی پور فرد امیرحسین و قماشچی احمد، (۱۳۸۰)، تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، تربیت اسلامی، اول.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ (۱۴۱۰ق)؛ غررالحکم و دررالکلم؛ محقق/مصحح: سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامی.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، امام مهدی موجود موعود، قم، مؤسسه اسراء.
۶. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، قم، جامعه مدرسین قم.
۷. شُبر، عبدالله (۱۳۸۶)، اخلاق، بی جا.
۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (بیتا)، معانی الاخبار، محقق علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر.
۹. طباطبائی، محمدحسین؛ (۱۳۷۴)؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱، ۴، ۸، ۱۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. فعالی، محمدتقی؛ (پاییز و زمستان ۱۳۸۳)؛ «ایمان چیست؟»، قم: مجله صباح، شماره ۱۳ و ۱۴، کاری از مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه.
۱۱. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۳. کفعمی، شیخ تقی الدین ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۱۸ق)، البلد الامین و الدرع الحصین، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. لیشی واسطی، علی بن محمد؛ (۱۳۷۶)؛ عیون الحکم و المواعظ (للیثی)؛ محقق/مصحح: حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث.
۱۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۶. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، تفسیر روشن، قرن ۱۵، تهران، مرکز نشر کتاب.

۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. منتظری نجف آبادی، حسین علی (۱۴۲۹ق)، حکومت دینی و حقوق انسان، قم، ارغوان دانش.
۱۹. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۷)، اخلاق محتشمی، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، سوم.